

«هند» معجونی از هنر، مزه و رنگ!

سفر نامه‌ای از هندوستان که به سرزمین ۷۲ ملت معروف است و مشاهداتی درباره سبک زندگی جالب مردم این کشور

امیررضا کردار طهران

پرونده

هند با جمعیتی نزدیک به یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر دومین کشور پر جمعیت دنیا و نزدیک به یک ششم جمعیت جهان را در خود جای داده است. این کشور در بین سواحل طلایی اقیانوس هند و قله‌های پوشیده شده از برف رشته کوه‌های هیمالیا قرار گرفته به سرزمین ۷۲ ملت معروف است و دلیل آن تنوع نژادی، فرهنگی، زبانی و مذهبی است که در بین مردم این کشور وجود دارد. تابستان امسال سفری به این کشور داشتم که شاید شبیه هیچ جای دیگر دنیا نیست و با گذاشتن به آن تجربه جدیدی برای هر مسافرو گردشگری است. کشوری پر از رنگ و بو و مزه که در هر گوشه و کنارش شاهد اختلاف‌های بسیار زیاد و تناقض‌های باور نگر دنی هستیم. از اختلاف طبقاتی و درآمد شهر و ندانش گرفته تا تفاوت فرهنگی مردمانش که کنار هم راه می‌روند و زندگی می‌کنند. در این سفر نامه سعی شده است که نکاتی جذاب و کمتر شنیده شده از این کشور و سبک زندگی مردمش را با شما در میان بگذارم.

۴۷ درجه ناقابل گرما!

داخل شدن به هندوستان و بررسی روادید و ثبت ورود، در مجموع سه دقیقه طول می‌کشد. وارد فری شاپ و با انبوهی از جمعیت روبه‌رو می‌شویم. فرودگاه دهلی بسیار وسیع و شلوغ است. محل تحویل چمدان‌ها سه طبقه پایین‌تر است. مسافت زیادی را طی می‌کنیم و به محل تحویل بار می‌رسیم. طبق قوانین بعضی شرکت‌های هواپیمایی، بر چسب شکستگی روی بارهای حساس زده نمی‌شود، از صاحب بار امضا می‌گیرند که مسئولیت شکستن اش با خودت! با ترس و لرز بارها را تحویل می‌گیریم که خوشبختانه سالم هستند. از فرودگاه خارج می‌شویم. خورشید با جدیت تمام به صورت شمت می‌کوبد. درجه هوا ۴۷ و در صدر طوبت ۶۸ است! وارد دنیایی می‌شویم که تا حالا نمونه‌اش را ندیده‌ایم.

رانندگی پرخطر، خرید پر تخفیف!

پس از استقرار در هتل و استراحت، به شهر می‌رویم تا گردش در دهلی را آغاز کنیم. شاید مهم‌ترین نکته‌ای که نظر ما را به خود جلب می‌کند بعد از وضعیت آب و هوا، انگلیسی بودن رانندگی باشد. واقعا گیج‌کننده است! فرمان‌ها سمت راست، خیابان‌ها برعکس. این موضوع زمانی حادث می‌شود که قصد عبور از عرض خیابان را داشته باشید. باید اول به راست نگاه کنید و بعد به چپ. ضربه نهایی را هنگام عبور از میدان‌های شهر می‌خوریم که نمی‌دانیم چی به چی است! رانندگی‌های محابا، هر دو دست رانندگان روی بوق، ولی بدون دره‌ای خوشنود و عصبانیت. از نظر ما که رانندگی در کشور خودمان را تجربه کرده‌ایم باز هم رانندگی در آن‌جا «خطر بزرگ» است! قرار است ما را به «پالیکا بازار» ببرند. قلب تپنده دهلی نو. میدانی به وسعت ۱۰ برابر میدان پارک مشهد خودمان. زیر میدان، بازاری است به نام «پالیکا». از فروشگاه «ساری» (لباس سنتی هندی) بگیر تا غرفه «خالکوبی». گشتی می‌زنیم و خریدی می‌کنیم. مهم‌ترین عنصر خرید در هندوستان «چانه زدن» است. می‌توانید با تعجب کردن، قهر کردن یا انصراف از خرید، قیمت جنس دلخواه‌تان را تا یک چهارم پایین بیاورید به جز فروشگاه‌های صنایع دستی‌شان که به زحمت ۱۰ «روپی» تخفیف می‌دهند. باید مراقب باشیم از دست‌فروشی‌هایی دلیل قیمت نپرسیم در غیر این صورت حداقل تا ۵۰۰ متر دست از سرت بر نمی‌دارند.

احترام به حیات و علاقه به حیوانات

فردا صبح زود عزم رفتن به باغ وحش دهلی می‌کنیم. موتوریکشما می‌گیریم. ریشکا‌ها، سه چرخه‌هایی هستند که راننده را کاب می‌زنند و در صندلی عقب آن مسافر سوار می‌شود و موتوریشکا، موتورهای سه چرخ هستند که پرتعدادترین وسیله حمل و نقل در هندوستان به شمار می‌آیند. ورودی باغ‌وحش‌پر از جمعیت است. در حال خواندن نقشه را هنماییم که پلیس به

سمت‌مان می‌آید. می‌پرسد از کدام کشوری‌د؟ می‌گوییم ایران. می‌پرسد چند نفری‌د؟ می‌گوییم پنج نفر. هزار روپی می‌گیرد و بر ایمان بلیت می‌خرد. جالب این‌جاست که ورود به باغ وحش برای خود هندی‌ها رایگان است. وارد باغ‌وحش می‌شویم. طبق تابلوی راهنما و علایمی که روی زمین کشیده شده، این سفر را آغاز می‌کنیم. جاده‌ای پر پیچ و خم و طولانی در هوایی بسیار گرم. ۱۲۷ گونه جانوری، انواع پرندگان، خزندگان و پستانداران. هر گونه از حیوانات، در محیطی بسیار وسیع زندگی می‌کنند. یک شنبه است و بسیار شلوغ. از دحام جلوی زیستگاه گردن و فیل بسیار زیاد است. همچنین علاقه‌مندی هندی‌ها به بخش پرندگان جالب توجه است. مهم‌ترین موضوعی که فکر مرا درگیر خود کرده، احترام زیاد مردم هند به حیات است. منظورم سبک زندگی نیست، منظور ایدئولوژی احترام به زنده بودن است. برایشان فرقی ندارد انسان و حیوان و گیاه. شاید بهتر باشد بگویم به کار هر موجودی که زنده باشد کاری ندارند. شعارشان این است: «بگذار زندگی‌اش را بکند. اگر می‌توانی کمکش کن، اگر نه اذیتش نکن.» شهر دهلی پر از سگ‌های ولگرد بی‌آزار است. در جای‌جای شهر، ظرف‌های آب و غذادیده می‌شود که مرتب توسط مردم‌پر می‌شوند.

خندقی برای دشمنان و بیدلی که فراموش شده!

صبح روز بعد عازم قلعه سرخ (دفورت یا لال قلعه)، بزرگ‌ترین مرکز جلب گردشگران در شهر دهلی می‌شویم. بنایی که شاه‌جهان، همزمان با انتقال پایتخت از آگرابه «شاه جهان‌آباد» (دهلی کنونی) در سده ۱۶۰۰ میلادی کلنگ ساختش را می‌زند. ساخت این قلعه که بسیار تحت تأثیر معماری مغول‌هاست، نزدیک به ۱۰ سال طول می‌کشد. قلعه سرخ سالیان سال میزبان «تخت طاووس»، تخت پادشاهی شاه جهان است تا زمانی که به دست نادر شاه افشار (تنها لشکری که توانست قلعه سرخ را فتح کند) می‌افتد و آن‌را به ایران منتقل می‌کند. تمام سنگ‌های استفاده شده در ساخت این بنا قزم هستند. دژی بسیار مستحکم و غیرقابل نفوذ است. دور تادور آن خندقی به عمق ۱۰ متر کنده شده است تا از هجوم دشمن جلوگیری کند. بالای دیوار‌ها، شکاف‌هایی تعبیه شده تا از آن برای نشانه‌گیری با اسلحه‌یا ریختن روغن داغ در خندق استفاده کنند. تقریباً سه چهارم عمق خندق همیشه آب‌اشته‌ولی در هنگام وضعیت دفاعی، بقیه خندق به وسیله مواد نفتی پر می‌شده و در زمان هجوم دشمن به خندق به وسیله گلوله‌های آتشین مواد نفتی را آتش می‌زدند تا سربازان مهاجم را دور کنند. طبق معمول که حق ورود هیچ‌گونه وسیله به داخل بناهای تاریخی هندوستان داده نمی‌شود، نمی‌توانیم از داخل قلعه عکس بگیریم. پس از آن به مزار «بیدل دهلوی» می‌رویم. مزاری بسیار ساده و خلوت واقع در قلب «باغ بیدل». باغ بیدل مکانی است در شاه جهان‌آباد (دهلی کنونی) که بیدل بیشتر عمر خود را در آن‌جا گذرانده و بنا به وصیت او، همان‌جا دفن‌اش می‌کنند. شاعر پارسی‌گوی هندی، این روزها توسط هندی‌ها فراموش شده است.



اصفهان‌ی در قلب هندوستان!

به «حیدرآباد»، ششمین کلان‌شهر شبه‌قاره هند با جمعیت حدود هشت میلیون نفر هم باید سری بزنیم. پس از طی مراحل بسیار سختگیرانه‌ای که در پروازهای داخلی هندوستان انجام می‌شود (قرار دادن لپ‌تاپ، پاوربانک و حتی نارگیل در داخل چمدان ممنوع است) به سالن انتظار رسیدیم. طبق معمول شلوغ و پر هیاهو. طول پرواز ۲ ساعت و ۴۰ دقیقه و شرایط جوی نامساعد اعلام می‌شود و چراغ بسته نگه‌داشتن کمر بند ایمنی و کار نکردن با لپ‌تاپ و موبایل

لحظه‌ای خاموش نشد. مهماندار می‌پرسد غذا چه می‌خورید؟ هندی یا غیر هندی؟ می‌گوییم غیر هندی چون غذای هندی به شدت تند است. فقط برداشتی از تند دارید و تا تجربه نکنید متوجه نمی‌شوید تند یعنی چه! بسیار لذیذ است. به مقصد می‌رسیم. درجه هوا ۲۵ و در صدر طوبت ۳۰ که یعنی عالی است. شهر هم واقعا زیباست. معماری شهر حیدرآباد، به خاطر حضور ۵۰۰ ساله ایرانیان در جنوب هند و حضور مسلمانان، بسیار چهره و حال و هوای ایرانی دارد. تلاش فراوان معماران بر این بوده که حیدرآباد را شبیه به اصفهان بسازند. برای همین نام دوم حیدرآباد، «اصفهان نو» انتخاب شد. سپس به رودخانه «موسی» می‌رویم. پس از آن به «چهار منار»، قدیمی‌ترین بنای تاریخی شهر حیدرآباد و «مکه مسجد» واقع در ضلع جنوبی چهار منار که بزرگ‌ترین مسجد جنوب هند است، می‌رویم. بازار هنوز فعالیت خود را آغاز نکرده. به مجتمع تجاری «موز» سری می‌زنیم. خود را آماده بازگشت به دهلی نو می‌کنیم. ترافیک بسیار سنگین است و نگران می‌شویم که از پرواز جا بمانیم. راننده می‌گوید جای نگرانی نیست، مسیر فرودگاه از شهر، تقریباً دو ساعت طول می‌کشد ولی پلی به طول ۲۵ کیلومتر، روی شهر ساخته شده که پانانش فقط به فرودگاه می‌رسد. دلیل ساخت این پل اهمیت ویژه اقتصادی و سیاسی حیدرآباد در هند است. مسیر را ظرف ۲۰ دقیقه طی می‌کنیم و به فرودگاه می‌رسیم. به دلیل شرایط نامناسب جوی، پرواز چهار مرتبه تاخیر یک ساعته می‌خورد. نماینده شرکت هواپیمایی اعلام می‌کند به دلیل تاخیر، با کارت پرواز به کانتر سیستم‌فود بروید و غذای رایگان دریافت کنید. سالن انتظار بسیار بزرگ و زیباست که خسته‌کننده نیست. پرواز عجیبی است. همه عوامل پرواز بسیار مضطرب‌اند. خیلی زود شام سرو می‌شود. پرواز با تکان‌های بسیاری همراه است و تمام مدت چراغ بسته نگه‌داشتن کمر بند روشن است. شرکت هواپیمایی اینتر نت رایگان ارائه می‌دهد. این پرواز سراسر هجیان ۱۰ دقیقه زودتر از زمان اعلام شده فرود می‌آید! جالب این‌جاست که خلبانان هندی با آن هواپیماهای آخرین مدل، اعتقادی به فرود آمدن آرام ندارند. انگار هواپیما را از چند صد متری زمین روی باندرهای می‌کنند!



حضور خدایان موفقیت، ثروت و ... در معبد آکشار دام!

معبد آکشار دام، بزرگ‌ترین معبد هندوها در جهان است که به طور رسمی در سال ۲۰۰۵ میلادی افتتاح شده است. معبد اصلی سازه‌ای تمام سنگی و نمای معبد و معابد همسایه از نوع «ماسه‌سنگ» صورتی راجستانی و «مرمر کارارا» ایتالیایی است که در طول ۱۱ سال ساخته شده، نکات حیرت‌انگیز بی‌شماری دارد. شاید مهم‌ترینش این باشد که تمامی کنده‌کاری‌ها به وسیله دست‌و‌به‌صورت کلاف (پازل) ساخته و بنا شده

است. پنج مجسمه فلزی از جنس پنج ماده گرد مجسمه اصلی ایستاده‌اند. تالارهای اصلی، زندگی هر کدام از این پنج راهبر ا به وسیله نقاشی‌هایی با رنگ‌های گیاهی بی‌نظیر به تصویر می‌کشند. به طرف در ورودی می‌رویم. اجازه همراه داشتن «هیچ چیز» نداریم. داخل معبد خیلی شلوغ است و طبق نظر هندوها، خدای موسیقی، خدای موفقیت، خدای ثروت، خدای شانس و... همه هستند! بعدد ۲۰۰۰ کسی آکشار دام را ببینند و تا آخر عمر از ذهنش پاک شود. مقصد بعدی مان تاج محل است که در جهان سمبل عشق شناخته می‌شود. تاج محل، در نزدیکی شهر آگرا و ۲۰۰ کیلومتری جنوب دهلی قرار دارد. ساعت ۸ وارد پارکینگ تاج محل می‌شویم. راننده می‌گوید مسیری یک کیلومتری را باید پیاده برویم تا به ورودی تاج محل برسیم. تعداد بی‌شمار میمون‌ها شگفت‌زده‌مان می‌کند. ورودی خلوت است. بلیت را تهیه می‌کنیم. گران‌ترین بلیت ورودی بناهای تاریخی برای گردشگران بلیت تاج محل است. گردشگر ۱۳۰۰ روپی، هندو ۴۰ روپی! همراه با بلیت، یک ژتون، یک شیشه آب معدنی و یک جفت روکش کشش نیز داده می‌شود. طبق معمول ورود همه چیز ممنوع است به‌جز تلفن همراه. راهنما می‌گوید: برای ورود به باغ، باید از دالاتی تاریک عبور کنیم. می‌پرسیم، چرا؟ می‌گوید: خودتان متوجه می‌شوید. طول این دالان تاریک تقریباً ۱۵ متر است. زمانی که چشم‌مان به تاریکی عادت می‌کند و وارد باغ می‌شویم، ابهت این هیولای مرمرین، میخکوب‌مان می‌کند. این بنا به دستور «شاه جهان»، امپراتور گورکانی هند به منظور یادبود همسر ایرانی‌اش به نام «ارجمند بانو بیگم» مشهور به «ممتاز محل» که در سال ۱۶۳۲ میلادی در سفری جنگی به هنگام وضع حمل فوت کرد بنا شده است. معماری این ساختمان ترکیبی از معماری ایرانی و گورکانی است و در ساخت آن ۲۰ هزار هنرمند به‌رهبری معماران ایرانی «احمد لاهوری» و «حمید لاهوری» شرکت داشته‌اند.

خوشنویسی کتیبه‌های در و دیوارهای تاج محل به دست «امانت‌خان شیرازی» انجام شده است. متأسفانه داخل تاج محل هم نمی‌توان عکاسی کرد. یاد بناهای تاریخی خودمان می‌افتم که همه‌جا نه تنها می‌توان عکس و فیلم گرفت که حتی می‌شود روی در و دیوار هم یادگاری نوشت!



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

شنبه ۲۰ مهر ۱۳۹۸
۱۳ صفر ۱۴۴۱ • ۱۲ اکتبر ۲۰۱۹
شماره ۲۰۲۱۸

۱۴۳۹

غذا خوردن بدون قاشق!

هندیکی از ارزان‌ترین کشورهای دنیا در زمینه غذاست. مثلاً یک وعده مرغ یا ماهی برای ناهار حدود یک دلار و یک فنجان چای ۲۰ سنت قیمت دارد. گندم، برنج و حبوباتی مانند نخود و دال عدس و حتی میوه‌های تازه را در بسیاری از غذاهای محلی هند پیدا خواهید کرد. همچنین ادویه‌هایی مانند زنجبیل، گشنیز، هل، زردچوبه، فلفل تند و دارچین. مردم هند عادت دارند غذاهای محلی خود را با دست یا نان و بدون استفاده از قاشق و چنگال بخورند. به همین دلیل نان‌های متنوع و خوشمزه‌ای را در این کشور پیدا خواهید کرد. در بیشتر نقاط هند حتی ثروتمندترین خانواده‌ها هم روی زمین غذای خورند و میانه‌خوبی بامیز غذاخوری ندارند. در ضمن حتی کسانی که پول زیادی ندارند، عروسی‌های بزرگ و پرخرجی برگزار می‌کنند و نه تنها دوستان و اقوام بلکه کسانی را که آشنایی اندکی با آن‌ها دارند هم به عروسی خود دعوت می‌کنند، حتی گردشگران را!

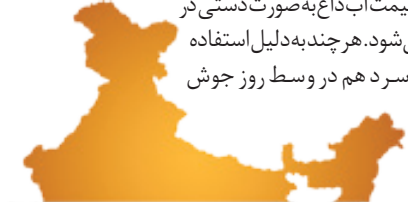


هند مرکز جشن‌های دنیاست!

یکی از ویژگی‌های شخصیتی جالب هندی‌ها، تمایل‌شان به برگزاری جشن و حضور در آن است. گاهی این جشن‌ها دوستانه و خانوادگی است و گاهی بزرگ و کشوری. به همین دلیل، هند را مرکز جشن‌های دنیا می‌دانند. به طور مثال در جشن رنگ‌ها یا «جشن هولی» که در آخرین ماه سال برگزار می‌شود، مردم لباس‌های سفید به تن می‌کنند تا به سمت هم‌پودرهای رنگی بپاشند و تفریح کنند یا برای احساس پاکی، مراسم دیگری دارند که روی هم‌آبی‌پاشند و یکدیگر را به درون حوض می‌اندازند تا از آلودگی‌ها پاک شوند. همچنین جشنواره‌های هندی مانند «دیوالی» را می‌توان از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین جشن‌های دنیا دانست.

مردمی که از ۵ صبح آماده کار می‌شوند!

بیشتر هندی‌ها صبح زود از خواب بیدار می‌شوند یعنی حدود ۵ تا ۶ صبح و آماده رفتن به سر کار می‌شوند چون به دلیل گرمای زیاد هوا، کار کردن در وسط روز بسیار سخت است. برخلاف تصور عموم خانه‌های هندی‌ها بسیار تمیز است، اگرچه ممکن است خیابان‌ها کثیف باشند. در هند سیستم فاضلاب و سروس بهداشتی عمومی و در بعضی مناطق حتی سروس بهداشتی داخل خانه‌ها وجود ندارد. البته این مشکلات در نقاط پرگردشگر نیست. در هند هیچ سیستم مرکزی برای تأمین آب داغ وجود ندارد. هتل‌های بزرگ از دیگ‌های بخار استفاده می‌کنند و در مکان‌های ارزان قیمت آب داغ به صورت دستی در حمام استفاده می‌شود. هرچند به دلیل استفاده از منبع آب، آب سرد هم در وسط روز جوش می‌شود!



۷۸ درصد از هندی‌ها به هندوئیسم اعتقاد دارند و بعد از آن، مسیحیت بیشترین طرفدار را دارد

۱/۵ میلیون نفر در سیستم حمل و نقل ریلی هند مشغول به کار هستند و ۱۸ میلیون نفر در روز توسط این خطوط سفر می‌کنند

۷۵ درصد تمام ادویه‌های جهان در هند تولید می‌شود که بیشتر آن‌ها را ادویه‌های خیلی تند تشکیل می‌دهند که ظاهر اطرقداران‌شان در دنیا رو به افزایش است

۱۷ زبان در کشور هند وجود دارد. سانسکریت شناخته شده‌ترین گویش در هند و زبان مادری اروپایی‌هاست

۱۱ درصد طلای جهان در اختیار زنان خانه‌دار هندی است. این رقم بیشتر از جمع کل ذخایر طلای آمریکا، صندوق بین‌المللی پول، سوئیس و آلمان است!

۲۷ درصد از جمعیت هند زیر خط فقر زندگی می‌کنند، در حالی که چهارمین رتبه در بین ۹۰ کشور بیلپوتر در دنیا هم در اختیار هندی‌هاست!